

## معرفی های اجمالی

راهنمای حقیقت، پرسش و پاسخ درباره عقاید شیعه، آیت الله جعفر سبحانی، نشر مشعر، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۶، ۶۵۹ ص.

### راهنمای حقیقت

پرسش و پاسخ پیرامون عقاید شیعه

آیت الله جعفر سبحانی

نشر مشعر

۱۳۸۶

کتاب فوق دارای یک پیشگفتار از مؤلف و یک مقدمه است که توسط معاون آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری در امور حج به رشته تحریر درآمده است. این اثر در ده فصل بیش از یکصد پرسش و پاسخ درباره پیرامون عقاید شیعه را مورد بررسی قرار داده است.

کلیات مورد بحث در این اثر بدین شرح است:

فصل اول با عنوان «پیرامون تاریخ تشیع و گسترش آن» شامل سه مبحث کلی و چندین مبحث جزئی بدین شرح است:

- ۱- تشیع در چه زمانی پدید آمده است؟ ۲- اقلیت شیعه و اکثریت تسنن، ۳- آیا این علقمی و خواجه نصیرالدین طوسی با مغول همکاری داشته اند؟

فصل دوم با عنوان «عقاید شیعه» شامل پنج بحث است:

- ۱- چرا شیعه رؤیت خدا را در دیگر انکار می کند؟ ۲. مسئله رجعت، ۳- اعتقاد به قضا و قدر غیر از جبری گری است، ۴- بداه تغییر سرنوشت با اعمال نیک و بد است، ۵- مقامات اولیاء و قدرت های غیبی را چگونه توجیه می کنید؟

فصل سوم با عنوان «توسل به اولیای الهی» شامل سیزده عنوان کلی است که عمدتاً توسل، شفاعت و زیارت و ساخت بنا بر روی قبور را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

فصل چهارم با عنوان «منزلت قرآن نزد شیعه» علاوه بر عنوان فوق به تحریف ناپذیری و جمع آوری قرآن در عصر رسول (ص) نیز پرداخته است.

فصل پنجم با عنوان «امامت در نزد شیعه» ۲۲ عنوان را در این خصوص مورد بررسی قرار داده است.

فصل ششم در خصوص اهل بیت علیهم السلام شامل ده عنوان است که با بررسی مفهوم اهل بیت آغاز می شود و با مبحث «شیعیان در خدمت تمدن اسلامی» خاتمه می یابد.

فصل هفتم با عنوان «مهدویت در اسلام» شش عنوان کلی را مورد بررسی قرار داده است.

فصل هشتم به بررسی و پاسخگویی چهارده عنوان مسئله فقهی اختصاص یافته است؛ همچون شش دست و پا، شهادت به ولایت حضرت علی (ع)، سجده بر تربت، جمع بین دو نماز، روزه در سفر، ازدواج موقت، اجتهاد در فقه و مسئله تقیه.

فصل نهم به بررسی هفت مسئله تاریخی اختصاص یافته است؛ همچون عزاداری در ایام سوگواری، زیارت قبر ابوطالب، صلح امام حسن (ع) و دختران پیامبران و ...

فصل دهم در خصوص صحابه است که شش عنوان همچون عدالت صحابه، روایات صحابی، و امام علی (ع) و تأیید خلفا و ... را مورد بررسی قرار داده است.

در بخشی از پیشگفتار در خصوص انگیزه تألیف اثر چنین آمده است: «سؤالات و پرسش هایی که در این مجموعه آمده است، توسط برخی از مسلمانان و زائران بیت الله الحرام درباره مذهب تشیع مطرح گردیده که مشتاقانه خواهان دریافت پاسخ آنها بوده اند. نکته مهم این است که دشمنان تشیع با ایجاد این شبهات گمان کرده اند مردم را از پیروی مکتب اهل بیت علیهم السلام باز خواهند داشت، در حالی که تعدادی از پرشگران پس از دریافت و قانع شدن از این طریق به مکتب تشیع پیوسته اند.

مقدمه کتاب توسط ناشر آن درج گردیده است، کتاب مجموعه بیاناتی است که مرحوم آیت الله ابن الرضا در جمع طلاب و استادان حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) خوانسار، مسئولان و اقشار مردم در مناسبت های مختلف ایراد کرده اند. گرچه معظم له این مطالب را در سال های اخیر بیان فرموده اند که در این دوران در اثر کهولت سن و ابتلا به ضعف چشم قادر به مطالعه و نوشتن نبودند و تنها از محفوظات خود استفاده کرده، حتی تدریس دروس حوزوی را که سال ها به آن اشتغال داشته اند کنار گذاشته بودند، اما به هر حال این مجموعه حاوی آیات و روایات و برداشت های ساده و لطیف از آنها و بدون اخلاق و پیچیدگی است؛ در عین حال این کتاب یک دوره مختصر از معارف دینی را در بردارد و برخاسته از اخلاص و پاکی خاصی است.

کتاب فوق در نه بخش تنظیم شده است: بخش اول در خصوص مبحث عقل است که خود در سه گفتار شامل فضیلت عقل، نشانه های کمال عقل و عقل معتدل کننده شهوت و غضب آمده است.

بخش دوم در خصوص موضوع علم است که شامل سه گفتار در خصوص شرافت علم الهی همراه با مکارم اخلاق و اندیشه، فضیلت و ثواب تحصیل علم و وظایف طالبان علم و شرافت و فضیلت تحصیل علم می باشد.

بخش سوم، بحث توحید است که در ده گفتار شامل:  
 ۱- ظهور حق تعالی و علت خفاء، ۲- آیات آفاقی دال بر اثبات صانع حکیم، ۳- عدم امکان شناخت ذات خداوند به واسطه صفات و آثار، ۴- همبستگی اجزاء عالم دلیل بر توحید، ۵- در صفات خدای سبحان، ۶- در شناخت حق متعال از راه آیات آفاقی وانفسی، ۷- معرفت خدای سبحان، ۸- در فطری بودن توحید خدای سبحان، ۹- در اولین مرتبه کمال انسانیت، شناخت خدای سبحان، ۱۰- در بهترین شناخت خدای سبحان تدوین شده است.

بخش چهارم در بحث نبوت است که شامل شش گفتار است. گفتار اول در لزوم وجود انبیاء و قانون الهی برای بشر، گفتار دوم در خصوص جهان در عصر بعثت و آثار بعثت، گفتار سوم در خبر دادن منجمین و کاهنان از بعثت پیامبر اکرم (ص)، گفتار چهارم در بیان جهان در عصر بعثت از جهت فرهنگ و ادب و اعتقاد، گفتار پنجم به بیان تبلیغ رسالت انبیاء عهد و پیمان الهی و گفتار ششم به توصیف وضع جهان در قبل و بعد بعثت و ویژگی های پیامبر (ص) اختصاص دارد.

بخش پنجم، مبحث امامت است که در پنج گفتار تنظیم شده است: گفتار اول از اصول دین بودن امامت، گفتار دوم در بیان

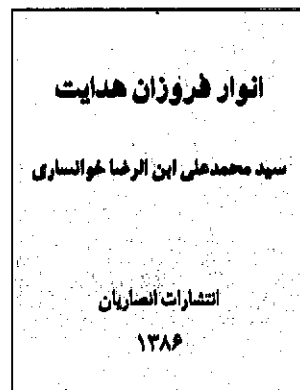
این پرسش ها به وسیله معاونت آموزش و پرورش بعثت حج مقام معظم رهبری جمع آوری و تنظیم شده و در اختیار اینجانب (مؤلف) قرار گرفت. بنده نیز در خود نوعی احساس و وظیفه کردم تا در حد توان به آنها پاسخ دهم.

آنچه در خصوص اثر فوق قابل ذکر است، اینکه: هر چند در سال های اخیر در خصوص مباحث مورد اختلاف پیروان اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت کتبی چند به رشته تحریر درآمده که تاحدودی پاسخگوی مسائلی از این قبیل بوده است، اما اثر فوق، هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی پاسخگوی تعداد بسیار زیادی مسائل مطرح بوده است.

استفاده مکرر از قرآن، احادیث صحیح، منابع دست اول به ویژه منابع اولیه مورد استفاده اهل سنت با بیانی بسیار ساده و شیوا به همراه صفحه آرایی و کیفیت خوب چاپ، موجب شده اثر فوق از سایر آثار متمایز گردد و در مدت زمانی کمتر از یک سال به چاپ سوم برسد. تفکیک مسائل به مباحث کلی و فرعی در هر فصل، دسترسی به مطلب مورد نظر را به صورت موردی سهل تر نموده است. آنچه در این اثر می توانست بر غنای آن بیفزاید ارائه فهرست منابع پایانی کتاب است که به علت چاپ های متفاوت برخی از منابع در پایان اثر لازم و ضروری به نظر می آید تا ارجاع افراد (خوانندگان) به آن راحت تر صورت گیرد. ارائه فهرست های اعلام، مکان ها و ... در پایان اثر از جمله مواردی است که بهره برداری موردی از اثر فوق را راحت تر می نمود، با این حال جای آن خالی است.

حمیدرضا میرمحمدی

انوار فروزان هدایت، سید محمدعلی ابن الرضا خوانساری، انتشارات انصاریان، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۶، ۶۷۶ ص.



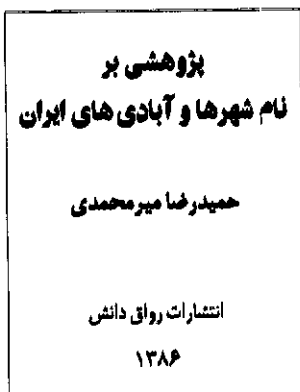
کتاب فوق مجموعه ای از بیانات عالم ربانی حضرت آیت الله حاج سید محمدعلی ابن الرضا دامت برکاته است. بنا بر آنچه در

فهرست اجمالی و فهرست تفضیلی آن است. آنچه قابل ذکر است، اینکه: فهرست منابع که بالغ بر ۱۵۳ عنوان می‌باشد، در برخی موارد به سبب فراوانی چاپ‌ها، مترجم و مصحح و ناشر مورد اشاره واقع نشده است. از آن جمله کلیه دیوان‌های اشعار است، به نحوی که نمی‌توان به کمک آن صفات مورد اشاره در متن را تطبیق داد. منابعی همچون حاشیه مولی عبدالله، صحیح ترمذی یا منظومه حاج ملاهادی از مشاهیر کتب و به قولی اظهر من الشمس است، اما چاپ‌های متعدد آن موجب شده است یافتن موضوعات ارجاعی متن اندکی مشکل گردد.

موضوع دیگر اینکه: در چاپ اول در پایان کتاب تعدادی تصاویر از حضرت آیت‌الله ابن‌الرضا در حسینیه ایشان درج گردید که در چاپ دوم اثر حذف شده است. گفتنی است اثر فوق در سال ۱۳۸۵ توسط استاد عباس موسوی (کمال‌السید) به زبان عربی ترجمه شده و توسط انتشارات انصاریان نشر یافته است. در این اثر عبدالستار الحسینی از استادان و فضیله‌ی حوزه نجف اشرف، ضمن نگارش مقدمه‌ای بر آن، شرح احوال حضرت آیت‌الله حاج سید محمدعلی ابن‌الرضا را نیز به رشته تحریر درآورده که جای آن در چاپ فارسی اثر خالی است. درج این مقدمه در چاپ فارسی می‌توانست اطلاعات بیشتری در خصوص شخصیت نویسنده اثر به خوانندگان ارائه نماید.

حمیدرضا میرمحمدی

پژوهشی بر نام شهرها و آبادی‌های ایران، حمیدرضا میرمحمدی، انتشارات رواق دانش، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۲۱۶ ص.



کتاب فوق دارای پیشگفتار، مقدمه و ۹ فصل است. فصل اول کتاب به بررسی مشکلات ضبط صحیح اسامی جغرافیایی اختصاص دارد. فصل دوم به لزوم نگرشی تحقیقی بر نام

صادقین یعنی اهل بیت علیهم السلام، گفتار سوم هدف از قیام نهضت حسینی (ع)، گفتار چهارم محبت فطری امام حسین (ع) در قلوب مؤمنین و گفتار پنجم در لزوم وجود امام زمان (ع) است.

بخش ششم کتاب، در خصوص قرآن کریم است. این بخش در سه گفتار تنظیم شده است: گفتار اول به بیان رشته محکم الهی بین خلق و خالق، گفتار دوم وجوه اعجاز قرآن و گفتار سوم به اعجاز تحدی قرآن از جهت فصاحت و بلاغت می‌پردازد.

بخش هفتم، بحث معاد است که در دو گفتار شامل معاد جسمانی و معاد روحانی تنظیم شده است. بخش هشتم مبحث اخلاق و مواعظ است که در بیست گفتار است و طولانی‌ترین بخش کتاب می‌باشد: ۱- بیان واعظ اصلی بودن خدای متعال و بعد پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام، ۲- مکارم اخلاق و اهمیت قضاء حوائج مردم، ۳- فواید مسجد، ۴- طهارت و وضو موجب تقرب به درگاه ربوبی، ۵- هوای نفس و آرزوهای طولانی، ۶- دنیای ممدوح و دنیای مذموم، ۷- دعا و شکر و صبر و استغفار، ۸- عبودیت حق تعالی، ۹- شرافت عید فطر و فضیلت تقوا، ۱۰- تزکیه نفس و پیروزی و رستگاری پاکان، ۱۱- حالات ششگانه جسم و روح، ۱۲- سفارشات رب عزّ اسمه به پیامبر اکرم (ص)، ۱۳- عبادات اجتماعی، ۱۴- چهار موعظه مهم در کلام حضرت رسول اکرم (ص) که شامل مال برای انفاق نه امساک، علم برای عمل نه جدل و مباهات، آفرینش بنده برای تعبد نه برای تنعم و دنیا برای عبرت گرفتن است نه آباد کردن است، ۱۵- چهار گوهر گران‌بها که به بیان مباحثی در عقل، دین، حیا و عمل صالح پرداخته است، ۱۶- شکرگزاری در مقابل نعمت، ۱۷- تواضع، عفو و بخشش، ۱۸- چشمه‌های بلاغت، ۱۹- صدق و راستی و راستگوییان واقعی، ۲۰- در عدالت و عدالت‌گستری هدف انبیاء است.

آنچه مطالعه این اثر را بسیار جذاب و خواندنی نموده است، بیان موضوعات در قالب کلماتی ساده و قابل فهم، استفاده مکرر از آیات الهی و احادیث و ذکر مطالب و نکات تاریخی و آموزنده و کاربرد اشعار در لایبالی مباحث است و آنچه ارزش علمی اثر را با وجود سادگی کلمات دوچندان نموده است، پاورقی‌های ارجاعی و توضیحی مکرر آن است که کمتر صفحه‌ای فاقد آن است.

آنچه بر ارزش و کارایی اثر فوق افزوده است، ارائه فهرست‌های متعددی است که در ۶۴ صفحه ارائه شده و بهره‌برداری موردی از آن را سهل تر نموده است. این فهرست‌ها شامل فهرست انبیاء و اولیاء، اعلام، آیات، روایات، اشعار، بلاد و اماکن، کتاب‌ها، مأخذ و

به کار برند و یا حتماً درست تلفظ کنند، اما این مسئله در رابطه با اعلام جغرافیایی به دلایلی که بدان اشاره می‌گردد، ناگزیر باید به صورتی واحد و کاملاً دقیق تلفظ گردند.

اکثر اعلام جغرافیا از نظر کاربرد بین عامه مردم دارای هیچ گونه محدودیتی نمی‌باشند. در این خصوص باید گفت دقت و رعایت صحت در به کار بردن نام یک آبادی به وسیله تمامی مردم چه متخصص و چه غیرمتخصص الزامی است؛ به طور مثال دو آبادی «حَسَن آباد» و «حُسَن آباد» اگر رعایت در تلفظ و اعراب گذاری صحیح، مطمح نظر نباشد، چه بسا ممکن است مشخصات جغرافیایی، ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر یک را برای دیگری نقل نماییم و نتیجه روشن است.

از مجموع ۲۱۶ صفحه اثر فوق، ۹۴ صفحه آن به تأثیر فرهنگ اسلامی به نام آبادی های کشور اختصاص یافته که طولانی ترین فصل کتاب است.

مشکلات ضبط صحیح اسامی آبادی ها، دلایل تغییر اسامی آبادی ها و لزوم نگرشی تحقیقی بر نام آبادی ها از جمله مباحثی است که آثار مشابه تاکنون کمتر به آن پرداخته اند؛ بویژه جداول تغییر اسامی که بیانگر تغییر اسامی بیش از هفتاد شهر در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی است. بر اساس همین جداول برخی از شهرها پیش از دو نام را تجربه نموده اند؛ همچون نوشهر در استان مازندران که نام اولیه آن «چاهک»، سپس «حبیب آباد»، سپس «ده نو» و در سال ۱۳۱۸ به نوشهر تغییر نام داد، و یا نام شهر «بهشهر» که نام های «خرگوران»، «پنج هزار»، «آسیاسر» و «اشرف» را نیز تجربه نموده است.

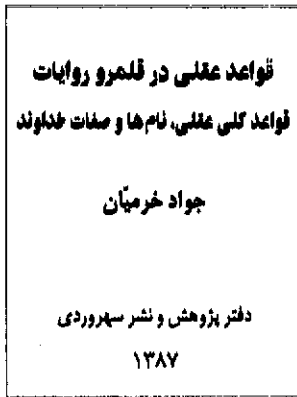
و یا شهر «آق قلعه» در استان گلستان که در زمان حکومت آل زیار «اسپی دژ» خوانده می شد، در زمان حمله تیمور ویران شد و شاه طهماسب اول مجدداً آن را ساخت و «مبارک آباد» نامید و در سال ۱۳۱۰ رضاشاه برای اسکان عشایر اقدام به ساختن شهری در کنار مبارک آباد نمود و آن را «پهلوی دژ» نامید و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مجدداً «آق قلعه» نامیده شد. بر اساس آنچه در فصل اول اثر آمده است، یکی از مشکلات ضبط اعلام جغرافیایی به سبب دوگانگی یا چندگانگی اسامی است؛ همچون اختلاف بین اسامی محلی و اسامی ضبط شده در نقشه ها و کتب جغرافیایی همچون نام شهر «خوانسار» در استان اصفهان که به چندین صورت تلفظ و نگارش می گردد؛ همچون «خوسار»، «خونسار»، «خوانسار»، «خانسار»، و یا نام شهر

آبادی ها و فصل سوم به دلایل تغییر اسامی آبادی ها اختصاص یافته است. فصل چهارم به منشأ اعلام جغرافیایی و فصل پنجم نیز به اسامی آبادی های برگرفته از مسائل انسانی و اجتماعی اختصاص دارد. فصل ششم اسامی آبادی های برگرفته از مسائل اقتصادی را مورد بررسی قرار داده است. فصل هفتم و هشتم به بررسی اسامی آبادی های برگرفته از مذهب اختصاص یافته است که عمدتاً دین اسلام مورد نظر است. فصل نهم به مکان های ملقب به مشهد اختصاص دارد که حدود ۲۷ مکان در ایران به این نام موسوم اند. در این فصل طی مقدمه ای به تأثیر اسلام بر اعلام جغرافیایی اشاره شده، و سپس به بررسی مکان های ملقب به مشهد در ایران به طور اجمالی و دوازده مکان موسوم به این نام به تفصیل پرداخته شده است. فصل هشتم در دو بخش ارائه شده است: بخش اول آن بر اساس حروف الفبایی به بررسی اسامی مکان های برگرفته از آیین مقدس اسلام پرداخته که در این قسمت به اسامی آبادی هایی همچون «امام»، «اسامزاده»، «بابا»، «پیر»، «تربت»، «سید»، «شهد»، «شیخ»، «قدمگاه»، «مسجد»، و مانند آن پرداخته است و بخش دوم این فصل به اسامی آبادی های برگرفته از نام پیامبران الهی اختصاص یافته است که در این قسمت، آبادی های «خضر»، «همدان»، «مسجد سلیمان»، «شوش دانیال»، «شیت اراده» و «قیدار-خدابنده» مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش همچنین به قبور پیامبران الهی در ایران نیز اشاره شده است.

فصل نهم اسامی آبادی های برگرفته از فرهنگ ایران باستان را مورد بررسی قرار داده است. در پایان این فصل نویسنده تحت عنوان «نگاهی دیگر به اسامی شهرها و آبادیها» به بررسی جزء پیشین و پسوند اسامی آبادی ها پرداخته است. ضمائم کتاب شامل منابع، فهرست اعلام و تصاویر است. ارائه فهرست مکان ها بهره برداری موردی از اثر را سهل تر نموده است.

تنوع مطالب، ارائه مثال های متنوع از سراسر کشور در خصوص یک مطلب، ارائه جداول و تصاویر یکنواختی کتاب را برهم زده، مطالعه آن را جذاب تر و سهل تر نموده است. در مقدمه آن در خصوص اهمیت بررسی اعلام جغرافیایی چنین آمده است: «اصولاً هر علمی دارای یک رشته اعلام است که در رابطه با همان علم به وجود می آید. کاربرد این اعلام و اسامی در بین عامه مردم که با آن علم به خصوص سر و کار ندارند، رایج نمی باشد؛ مثلاً اگر علم شیمی را در نظر بگیریم به طور کلی همه مردم در سطوح مختلف الزامی ندارند که اسامی عناصر شیمی را

قواعد عقلی در قلمرو روایات: قواعد کلی عقلی، نام‌ها و صفات خداوند، جواد خرمی‌ان، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ اول، ۱۳۸۷، ۲۶۲ ص.



کتاب قواعد عقلی در قلمرو روایات، پژوهشی است برای بازخوانی قواعد عقلی پیدا و پنهان در احادیث رسول خدا (ص) و خاندان گرامی او (ع). این کتاب چند هدف کلی را دنبال می‌کند:

۱. بازنمایی قواعد عقلی در متون روایی؛
  ۲. فراهم‌سازی بستری برای ارائه فرهنگ‌نامه جامع عقلی-روایی؛
  ۳. تدوین تاریخ کامل تفکر فلسفی مسلمانان با عنایت به تأثیرگذاری وحی و اندیشه‌های ناب معصومان (ع) در مسیر تکاملی فلسفه و رزی مسلمانان.
- این پژوهش که اکنون دفتر نخست آن در دسترس است، حاصل درنگی طولانی در کتب روایی، مانند الکافی، التوحید، بحار الانوار، الاحتجاج، نهج البلاغه، غررالحکم، تحف العقول و مطالعه واژه‌ها و واژه‌احادیث آن‌ها و بررسی دیگر متون روایی، مانند المحاسن، امالی صدوق، امالی مفید، سفینه البحار، الخصال، معانی الاخبار، عیون اخبار الرضا و نیز تدریس و مطالعه کتب کلامی و فلسفی و عرفانی است.
- این پژوهش به گفته پژوهشگر، در چند عنوان دیگر (اثبات وجود خداوند، اثبات توحید، صفات جلال و جمال خداوند، آموزه‌های وحیانی، ردپای فلسفه و منطق) ادامه می‌یابد که در مجلداتی دیگر عرضه خواهد شد.
- پیچیدگی مباحث روایی و شمار فراوان احادیث اعتقادی از یک سو و کثرت مباحث موضوعات کلامی، فلسفی و عرفانی از سوی دیگر، بردشواری ارتباط بین این دو حوزه معرفی افزوده است. پرشمار تفاسیری که از روایات در کتب معتبر روایی وجود دارد و نیز فراوانی اندیشه‌ها و اقوال متکلمان و فیلسوفان و

فریدون‌ن شهر» در همین استان که به نام‌های «آخره»، «آخوره» و «سویلی» نیز نامیده می‌شود که همگی بر یک مکان دلالت دارند؛ همچنین شهر «آستانه اشرفیه» که در زبان محلی به «پله آسونه» نیز معروف است.

از جمله مشکلات مورد بحث، ادغام آبادی‌ها در هم و ایجاد شهرهای جدید با اسامی جدید و حذف نام‌های قبلی و دیگری گسترش شهرهای بزرگ و ادغام آبادی‌های اطراف شهرها در شهر است.

در فصل دوم کتاب، دو نکته قابل توجه است: اینکه برداشت‌های نادرست از معنا و مفهوم اسامی برخی از آبادی‌ها گاهی موجب تغییر نام آنها در سال‌های اخیر شده است؛ همچون آبادی «بردش» در شهرستان فریدن که تلفظ عوام «بردشا» است. بردش در گویش بختیاری (لری) به معنا سنگ سیاه است (برد به معنای سنگ و «ش» به معنای سیاه است). عدم دقت در ضبط صحیح آن موجب برداشت نادرست از معنا و مفهوم آن گردیده، در چند سال اخیر آن را «آزادگان» نامیده‌اند. عدم تسلط و اشرف کافی به زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های گوناگون در مناطق مختلف کشور یکی از مشکلات اساسی در ضبط صحیح اسامی آبادی‌هاست.

اشکال و ایراد دیگری که مؤلف بر برخی از فرهنگ‌نویسان و دست‌اندرکاران ضبط اسامی جغرافیایی گرفته است، اینکه: دوگانگی اسامی آبادی‌ها گاهی موجب شده فرهنگ‌نویسان به خطا نام‌های متفاوت یک آبادی را هر کدام جداگانه به عنوان مکان‌های مختلف در نظر بگیرند. در این زمینه مؤلف ایرادی بر فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور منتشر شده از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی وارد نموده است؛ از آن جمله آبادی آخره، آخوره و فریدون‌ن شهر که همگی بیانگر نام یک آبادی است، در فرهنگ فوق بر سه مکان متفاوت اطلاق گردیده است و یا آبادی اسکندری در همین شهرستان فریدن نیز بر دو مکان متفاوت به نام اسکندری نسا و نساء اسکندری اطلاق شده است؛ در صورتی که هر دو نام، دلالت بر یک آبادی دارد. مثال‌های متعددی دیگر نیز در کتاب موجود است که همگی بیانگر دقت نظر مؤلف است؛ با این حال با وجود ارائه سرفصل‌های متعدد کتاب، به نظر می‌رسد اثر فوق مقدمه‌ای بر تکمیل موضوعات ارائه شده در مجلدات دیگر باشد. با امید به این امر ان‌شاء الله.

حمیدرضا میرمحمدی

وحی و داده‌های وحیانی است؛ به این معنا که عقل و وحی هر دو از جنبه کاشفیت و روشنگری برخوردارند، ولی هر یک در افق ویژه خویش و با عملکرد انحصاری در حوزه اختصاصی خود.

شناخت عقل و ویژگی‌های پر شمار آن در روایات، از مباحث دیگر این فصل است که محقق کوشیده زمینه درک معارف عقلانی در بستر روایات با شناخت حقیقت عقل و اوصاف آن را برابر آنچه در گفتار رسول خدا (ص) و اهل بیت اوست، فراهم آورد.

نقد آرای برخی متفکران شیعی در این باره که درک معارف الهی، خارج از توان عقل‌های عادی بشری است، از دیگر عناوین این فصل است. نویسنده بر اساس ادله عقلی و نقلی به اثبات این مسئله می‌پردازد که مخاطب آیات قرآن و احادیث معصومان همین عقل‌های همگانی و خرده‌های بشری است و شاهد بر این مدعا روایات گرانسنگی است که ائمه (ع) با به کارگیری خرده همگانی انسان‌ها به اثبات ارجمندترین معارف الهی می‌پردازند.

حجیت اخبار اعتقادی همسان با حجیت اخبار در مسائل فقهی نیز در این فصل بررسی شده است و در ادامه به این موضوع می‌پردازد که الفاظ روایات معتبر - برابر با اصل اولی - همان الفاظ صادر شده از معصومان است؛ مگر قرینه و گواهی یافت شود که راوی در روایتی با حفظ معانی آنها تنها به بازنگری معنای روایت بسنده کرده است؛ هر چند الفاظ آن ساخته خود او باشد؛ بر اساس این اصل اولی، راه برای نکته‌سنجی‌ها و نازک‌بینی‌های لفظی و ادبی فقها و اندیشمندان در حوزه معارفی در احادیث معصومان گشوده می‌شود. استنتاجات ژرف عقلی که برای الفاظ و سبک ادبی روایات و نیز برخاسته از مباحثی مانند عموم و خصوص، اطلاق و تقیید، وصف‌ها، کنایات و ... است، همه به برکت این اصل اولی امکان‌پذیر خواهد بود.

مراتب درک و دانایی مخاطبان روایات و نیز درجات معارف الهی، دو مؤلفه اساسی برای شناخت روایات و توجیه گونه‌گونی روایات در یک مسئله است؛ گاه مخاطبی با درجه دانایی اندک خویش از توحید پر سیده است و امام پاسخی درخور فهم او بیان کرده است و گاه در پاسخ همین مسئله به انسانی خرده‌مند، سخن از عالی‌ترین و دقیق‌ترین مباحث عقلی گفته است. این نکته ارجمند نیز از مباحث این فصل است که در فهم مقصود و مراد احادیث سهم بسزایی دارد.

عقل و آموزه‌های دینی از مباحث درازدامن این فصل است که به گونه‌ای شالوده‌پژوهشی کتاب نیز قلمداد می‌شود. در این عنوان تلاش نویسنده بر آن است که اثبات کند شیوه درست پژوهش در روایات اعتقادی، شیوه‌ای است که آن را با نام «روش از پایین به بالا» نامگذاری می‌کند. در این شیوه سعی بر آن است که اصول عقلی برگرفته از روایات در صدر پرونده پژوهشی و

عارفان مسلمان در حجم بسیار نوشتارهای آنان، نویسنده را ناگزیر کرده است از کتب روایی، تنها به همان مواردی که در ابتدا اشاره شد، اکتفا کند و در حوزه آثار نوشتاری متکلمان و فیلسوفان و عارفان نیز به موارد شاخص آنها بسنده نماید.

نویسنده در حوزه آرای متکلمان، تنها به کتب تجرید الاعتقاد، شوارق الالهام، شرح المواقف ایجی؛ در حوزه اندیشه‌های حکیمان مشائی به کتب شرح الاشارات و شفا؛ در محدوده آرای حکیمان اشراقی به شرح حکمة الاشراق قطب الدین شیرازی و التلویحات شیخ اشراق؛ در قلمرو حکمت متعالیه به شرح منظومه سبزواری، اسفار، مبدأ و معاد، الشواهد الربوبیه؛ و در قلمرو عرفان به کتب فصوص الحکم، شرح قیصری بر فصوص، تمهید القواعد، مصباح الانس، جامع الاسرار و منبع الانوار سیدحیدر آملی بسنده کرده است.

از آن‌جا که مخاطب کتاب، پژوهشگر فلسفه‌دان و عرفان‌آشناست، ناگزیر بخش مهمی از پژوهش و نیز ادامه کاوش در هر قاعده عقلی بر عهده او نهاده شده است؛ در غیر این صورت، می‌باید کتاب حاضر در حجمی بسیار فزون‌تر از آنچه هست، ارائه می‌گردید که ناچار از هدف اصلی خود دور می‌شد؛ بر همین اساس، ایجاز و اختصار و گزیده‌گویی وجهه همت نگارنده بوده است.

این دفتر دربردارنده سه فصل اصلی و یک پیشگفتار است. فصل اول در هشت پیش‌نیاز به تبیین مبانی استنباط قواعد عقلی از روایات می‌پردازد. نویسنده بر این باور است که همان تلاش طاقت‌سوز فقیهان بزرگ در طول تاریخ فقهات، می‌تواند با همان ژرف‌کاوی و نازک‌بینی در روایات اعتقادی نیز به کار گرفته شود و دقایق شگرف عقلی از متون روایی فراهم آید. ارجمندی و بلندی احادیث اعتقادی مانند خطبه‌های توحیدی امام علی (ع) مباحثات علمی امام رضا (ع) از چنان اوج و ارجی برخوردارند که سرانگشت اندیشه هیچ اندیشمندی بدان‌ها دست نمی‌یازد و ناگزیر از گزند جاهلان و حدیث‌سازان تا حدود بسیاری در امان مانده است. پژوهشگر قواعد عقلی بر این باور است که این ویژگی باعث می‌شود شیوه حدیث پژوهی و سنجش اعتبار احادیث در این گونه روایات، شیوه‌ای متمایز، ولی نه متباین از شیوه کاوش در احادیث فقهی باشد. کاوش در قلمرو اسناد احادیث اعتقادی بر پایه مطابقت و همخوانی مفاد آنها با داده‌های صریح عقلی، از ویژگی‌های بارز پژوهش در اعتبار روایات اعتقادی است.

در عنوان اول از مبانی استنباط قواعد عقلی، نویسنده به اثبات همخوانی عقل و وحی می‌پردازد و بر این اندیشه است که عقل با تمامی پشتوانه معنایی و ثقل مفهومی در فرهنگ روایی، در طول

فرایند محقق‌گذارده شود و سپس با مراجعه به فرهنگ و ادبیات عرب و پس از آن با جستجو در واژه‌های همسان و هم‌معنا در قرآن و روایات به معنا و مفهومی مطمئن از این واژه نزدیک شود. آن‌گاه در ادامه برای درک و دریافت حقیقت این آموزه‌های روایی باید با تمسک به عقل و داده‌های عقلانی به تفسیر آنها پرداخت. حال اگر در این سیر عقلی و کاوش فکری، مفاد و معنای برخی از روایات مطابق با داده‌های عقلی متکلمان، فیلسوفان و یا عارفان مسلمان قرار گرفت، می‌توان دستاورد اندیشه‌های آنان را نیز در خدمت فهم معارف روایی قرار داد.

این سیر پژوهشی برخلاف برخی پژوهش‌های فلسفی-عرفانی است که اصل فلسفی، قاعده کلامی یا شهود عرفانی را سرلوحه اندیشه خویش قرار می‌دهند و سپس آیات و روایات را در خدمت آن اصل در پایین می‌نشانند؛ در این سیر پژوهشی، هیچ ترس و اندوهی از همخوانی کلمات معصومان با برخی قواعد فلسفی یا مشاهدات عرفانی نیست و منجر به وامداری رسول خدا(ص) و خاندان پاک(ع) به فلاسفه و عرفان نیز نمی‌گردد؛ همان‌گونه که کاربرد قواعد ادبی(صرفی، نحوی، بلاغی) در کلمات معصومان(ع) و پیروی آنان از قواعد ادبیات عرب، منجر به وامداری آنان به سیبویه و کسایی و... نمی‌شود.

فصل دوم با عنوان قواعد عقلی برگرفته از روایات، به گونه‌ای شروع پژوهش مزبور برای بازنمایی اصول عقلی در قالب عام و کلی آنها بدون انحصار در موضوع ویژه‌ای مانند خدا، انسان و طبیعت است. در این فصل و نیز فصل بعدی، ابتدا قاعده برگرفته از روایات آمده و چنانچه الفاظ قاعده دقیقاً همان الفاظ روایات باشد، با علامت مربع سفید مشخص شده و در صورتی که کمترین تغییر در حروف و کلمات روایات ایجاد شده است، با علامت مربع سیاه معلوم گردیده است؛ سپس در ذیل قاعده، مستندات روایی آن با ذکر شماره بیان شده است. محقق کوشیده است برای هر قاعده روایات گوناگونی با اسناد متفاوت ذکر کند تا اطمینان خواننده را بر صحت صدور روایات از معصومان(ع) فراهم آورد و نیز چنانچه در سند برخی از روایات اشخاص مجهول یا ضعیفی وجود دارد، کثرت طرق اسناد، زمینه اطمینان افزون تری برای مخاطب ایجاد کند.

در ادامه در زیرعنوان «سرفصل‌های کلامی، فلسفی، عرفانی» ذیل هر قاعده روایی، به سرنخ‌ها و سرفصل‌های اصلی این قاعده در کتب کلامی، فلسفی و عرفانی با ذکر برخی عبارات کوتاه از منابع و یا بیان کلیدواژه‌ها و نیز قواعد فلسفی، کلامی یا عرفانی پرداخته شده است. در این فصل ۶۸ قاعده عقلی کلی از روایات اتخاذ شده که برخی از آنها به تفصیل در فصل‌های بعدی

نیز بررسی شده است.

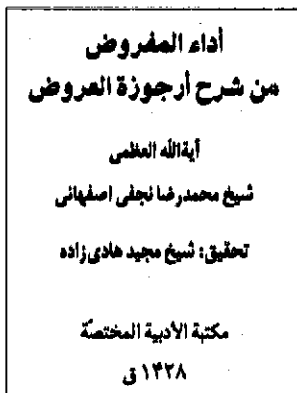
فصل سوم کتاب به ارائه قواعد عقلی-روایی در حوزه نام‌ها و صفات خداوند می‌پردازد. در این فصل، پس از گفت‌وگو درباره جواز اندیشه پیرامون خداوند، البته با دو معیار قرآن و حدیث و نیز پرهیز از تعطیل و تشبیه با حفظ مراتب درک و دانایی انسان‌ها، به بیان قواعد عقلی این باب در ۳۹ عنوان پرداخته شده است.

فشرده‌گی مباحث توحیدی در این باب و نیز نزدیکی برخی قواعد به یکدیگر، نویسنده را بر آن داشته است که به سبب اجتناب از چندباره گویی، برخی مباحث کلامی، فلسفی و عرفانی را به صورت یک جا در یک بخش مستقل ارائه کند و هر یک از قواعد عقلی و روایی مرتبط را به این بخش ارجاع دهد.

اسما و صفات خداوند در قلمرو فلسفه و عرفان، عنوان بخش مستقلی است که سرفصل‌های کلامی، فلسفی و عرفانی برخی از قواعد عقلی-روایی را در خود جمع کرده است. آن‌چه در این کتاب آمده، هم ریشه‌های اصول عقلانی را در معارف و متون سنت و عسرت نشان می‌دهد و هم راه را برای کشف عقلانیت آشکار و نهان در متون دینی می‌گشاید. امید که این کوشش ارجمند تداوم یافته باشد و دفترهای دیگر این پژوهش نیز در دسترس مخاطبان علاقه‌مند قرار گیرد.

محمدتقی شادمان

أداء المفروض من شرح أرجوزة العروض، آية الله العظمى شيخ محمد رضا نجفی اصفهانی، شیخ مجید هادی زاده؛ ناشر: کتابخانه تخصصی ادبیات (مکتبه الادبیه المختصه)، قم، ۱۴۲۸ ق.



ارجوزة العروض عنوان صحیفه‌ای است ارزشمند در علوم ادبی زبان عربی که برخاسته از طبع روان و ذوق سرشار علامه آیه‌الله شیخ مصطفی تبریزی-ادیب نامور ادبیات عرب در دوران اخیر- می‌باشد. و اداء المفروض شرحی دقیق و علمی بر این ارجوزة کم نظیر و شارح این منظومه گرانسنگ، فقیه و ادیب بزرگ

جوهری و این اثر ارجمند و برخی نقاط قوت آن دارد که چکیده آن نوشته ای است که اینک تقدیم محضر خوانندگان فهیم می گردد.

الف) معنای علم عروض و مؤسس آن: برای علم عروض معانی مختلفی گفته شده است. دهخدا در لغت نامه به نقل از کتاب عروض سیفی حدود ده معنا برای علم عروض نقل می کند. شاید بهترین توضیح درباره این علم چنین باشد: «علم عروض علمی است که به وسیله آن به اوزان شعر و تفسیرات آن پی می برند» (رک: عروض سیفی، ص ۲۵-۲۶؛ لغت نامه دهخدا، ج ۳۵، ص ۲۰۳-۲۰۵ و فرهنگ فارسی عمید، ص ۷۲۹). مؤسس این علم نیز خلیل بن احمد فراهیدی است. وی در حدود سال صدق چشم به جهان گشود و در سال ۱۷۵ چشم از جهان فرو بست (نگر فهرست ابن ندیم، ص ۴۸؛ و فیات الاعیان، ج ۲، ص ۲۴۴ و الوافی بالوفیات، ج ۱۳، ص ۲۴۰-۲۴۱). علامه حلی درباره مؤسس این علم چنین گفته است: «الخلیل بن احمد کان أفضل الناس فی الأدب وقوله حجة فیهِ، اخترع علم العروض وفضله أشهر من أن يذكر وکان إمامی المذهب» (خلاصة الأقوال (تحقیق جواد قیومی)، ص ۱۴۰، رقم ۳۸۷ و نیز رک: تأسیس الشیعه، ص ۱۷۸).

ب) شرح حال علامه مهرزاد مصطفی مجتهد تبریزی: معدودی کتب تاریخ و تراجم به شرح حال ایشان پرداخته اند. شاید بتوان گفت مفصل ترین اثر در این باره که حاوی اطلاعات مفید و ارزشمندی نیز هست، دست نوشته آقای صمد اسماعیل زاده می باشد و ما ضمن تشکر از ایشان گل چینی از نکات و مطالب تحقیقی وی را در این جا نقل می کنیم. البته لازم است خواننده محترم برای اطلاعات بیشتر در این باره به کتاب ارزشمند شعراء الغری مراجعه نماید (رک: شعراء الغری، ج ۱۱، ص ۳۳۱-۳۳۲).

وی فرزند علامه حاج میرزا حسن آقا مجتهد تبریزی است و در سال ۱۲۹۷ ق در شهر تبریز چشم به جهان گشود و در همان دیار نزد پدر دانشمند و دیگر بزرگان علمی تبریز به آموختن و کسب معارف پرداخت و در ضمن آموختن ریاضیات، هیئت، فنون ادبی و علوم دیگر با زبان عربی نه تنها آشنا گردید، بلکه گوی سبقت را از همگان بود و آن چنان بالنده گردید که پس از هجرت به شهر مقدس نجف اشرف و شرکت در درس اعلام و بزرگان آن شهر مقام علمی و جایگاه والای ادبی وی برای دیگران آشکار گردید تا آنجا که موجب اعجاب معاصرین خود گردید.

برخی از استادان وی در نجف اشرف عبارت اند از حضرات آیات عظام آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفاية الأصول؛ سید محمد کاظم طباطبائی یزدی صاحب العروة الوثقی؛ آخوند ملا علی نهاوندی؛ شیخ فتح الله شریعت اصفهانی.

آية الله العظمی شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی است.

دو نسخه خطی این اثر بسیار ارجمند در اختیار محقق ارجمند کتاب بوده است. اگرچه این دو نسخه در اختیار حفید محترم مؤلف آية الله شیخ هادی نجفی بوده، لیکن مسیری پربلیغ و خم را پیموده و خود داستانی شنیدنی دارد که اشاره به آن - از آن روی که یادکردی نیز از میراث بانان تراث شیعی دارد - خالی از لطف نیست.

نسخه اول: این نسخه به خط زیبای امام عظیم الشان راحل است و تاریخ اتمام کتابت آن بیست و یکم ماه شعبان ۱۳۴۶ می باشد، یعنی ایام بسیار پربرکت حضور مؤلف در حوزه علمیه قم و شروع به تدریس در آن. ظاهراً حضرت امام در این دوران است که از وجود چنین گوهر ارزشمندی مطلع می شود و نسخه ای از آن را برای خود استنساخ می نماید و بعدها نیز این نسخه را به حضرت آية الله العظمی شیخ جعفر سبحانی - که سایه پربرکتش مستدام باد - هبه می نماید. وی نیز چندسالی قبل خبر وجود چنین نسخه ارجمندی را همراه با تصویری از آن به حفید مؤلف می دهد که در همین جا شایسته است از وی برای حفظ و نگهداری این نسخه و همچنین در اختیار گذاردن تصویر آن تقدیر و تشکر نمود، اگرچه بایسته بود این قدردانی از ناحیه محقق محترم صورت می گرفت که ظاهراً از آن غفلت شده است.

نسخه دوم (ملاک نگارنده - برخلاف محقق محترم - در تقدیم و تأخر این دو نسخه زمان اتمام کتابت آن بوده است): این نسخه را علامه شیخ علی جوهری - از نوادگان شیخ محمد حسن نجفی، فقیه عظیم الشان شیعه و صاحب موسوعه گرانقدر جواهر الکلام استنساخ کرده است و تاریخ اتمام کتابت آن ششم محرم سال ۱۳۵۷ ق و در بروجرد می باشد. البته علامه جوهری یادداشتی در قسمت سمت راست صفحه پایانی نسخه خود دارد و در آنجا تصریح می نماید که نوشته خود را با اصل کتاب مقابله نموده و تاریخ اتمام مقابله عصر روز دوشنبه هجدهم ماه ربیع الأول ۱۳۵۸ می باشد.

حفید محترم مؤلف به وساطت علامه محقق آية الله سید عبدالمزیز طباطبائی - رحمة الله علیه - از وجود این نسخه مطلع می شود و با یاری ایشان و حجة الاسلام عبدالحسین جوهر کلام به تصویری از این نسخه دسترسی پیدا می کند.

محقق محترم از نسخه جوهری با عنوان «النسخة الاولى» نام می برد و از نسخه حضرت امام با عنوان «النسخة الثانية». محقق این اثر ارجمند حضرت حجة الاسلام مجید هادی زاده می باشد که امروز در شمار فضیلاتی سرشناس حوزه علمیه اصفهان است.

نگارنده درنگی کوتاه درباره علم عروض، شخصیت میرزا مصطفی تبریزی، شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی و شیخ علی



میرزای تبریزی در سال ۱۳۲۳ ق به همراه برادرش میرزا خلیل آقا مجتهد برای اعمال حج از راه شام به مکه مکرّمه عزیمت نمود و بعد از اعمال حج از راه دریای سرخ به نجف باز گردید. این دو برادر در این سفر از آثار تاریخی شام و سوریه و علمای این دیار نیز دیدن نمودند. در اثنای این سفر علامه تبریزی به بیماری سختی مبتلا می‌شود و ظاهراً بر اثر اشتباه پزشک بیماری اشتداد می‌یابد و منجر به فلج شدن پا می‌گردد. وی چندماه در بغداد اقامت نمود و به معالجه پای خود پرداخت و پس از اینکه بیماری اندکی بهبودی یافت تصمیم گرفت که به ایران برگردد.

مراجعت وی به ایران با شدت گرفتن انقلاب مشروطیت و جریانات پس از آن مصادف بود. به همین علت وارد تبریز نشد و برای تکمیل معالجات خود به تهران رفت و دو سال در آنجا اقامت نمود. البته در طول این مدت از تشکیل و حضور در مجالس علمی نیز غفلت نورزید و فضیلتی تهران محضر وی را غنیمت شمرند و از خسر من علم و دانش وی بهره‌مند گردیدند. از چهره‌های شاخص علمی-اجتماعی و مذهبی آن روز تهران علامه فقیه آقا حسین نجم‌آبادی که با تبریزی از دوران حضور در نجف اشرف سابقه مودت و رفاقت داشت و در دوران اقامت میرزای تبریزی در تهران لحظه‌ای از مراقبت و مصاحبت با وی غفلت نمی‌ورزید.

علامه تبریزی پس از توقیف دو ساله در تهران به سمت زادگاه خود تبریز حرکت کرد و تقریباً تا پایان عمر در این شهر ماند و فرهیختگان و طلاب فاضل مدارس تبریز محضر وی را مغتنم دانسته و به خوشه‌چینی از خسر من دانش وی پرداختند. این دانشمند بزرگ در سال ۱۳۳۲ ق برای ادامه معالجه خود به برلین رفت و تا حدود زیادی این معالجات مؤثر واقع شد، به نحوی که در اواخر عمر نماز خود را ایستاده می‌خواند. تبریزی در همین زمان است که گرفتار بیماری سوءهاضمه می‌شود و درمان نیز بدون اثر می‌ماند و این ادیب نامور در نهایت در پانزدهم ماه رمضان ۱۳۳۷ چشم از جهان خاکی برمی‌بندد.

برخی از آثار این ادیب و دانشمند فرزانه عبارت‌اند از: الحاشیه علی کفایة الاصول (این اثر ناتمام است)؛ رساله فی قاعدة الخطاء؛ تعلیقات علی لسان الخواص (توضیح درباره این اثر در ادامه خواهد آمد) و رساله‌هایی در علوم مختلف مانند فقه، اصول، ریاضی، نجوم...

پ) شرح حال علامه شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی: درباره شخصیت والای شارح و مؤلف کتاب ارزشمند «آداه المفروض» بسیار سخن گفته شده و بعدها مختلف حیات علمی وی در کتاب‌ها و رساله‌های متعدد کاوش و بررسی گردیده است، از جمله: تاریخ علمای و اجتماعی اصفهان

(تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۲۱۹-۴۴۴) از محقق سخت‌کوش سید مصلح‌الدین مهدوی، قبیله عالمان دین (قبیله عادلان دین، ص ۸۵-۱۱۵) از استاد گرامی حضرت آیه‌الله شیخ هادی نجفی و گلشن اهل سلوک (گلشن اهل سلوک، ۱۱۳-۱۴۲) از فاضل ارجمند جناب آقای رحیم قاسمی. جز این سه می‌توان به مقدمه نگارنده بر تقریرات فقهی ایشان با نام رساله احکام المیاه (رساله احکام المیاه، ص ۲۶-۳۲) (میراث حوزه اصفهان، دفتر چهارم)؛ گفتنی است که این تقریرات به قلم شیوای آیه‌الله سیداحمد زنجانی و مربوط به مدت کوتاه اقامت علامه نجفی در قم می‌باشد) و مقاله‌ای با عنوان زان که شمشیر آشنایی می‌زند (این مقاله درباره کتاب المسیف الصنیع و مؤلف آن می‌باشد و در بهار ۱۳۸۵ در مجله وزین «آینه پژوهش» چاپ و نشر گردید) اشاره نمود.

باتوجه به آنچه ذکر شد، نگارنده مصمم بود در این قسمت به همین مقدار اکتفا نماید، ولیک به شرح حالی از علامه نجفی دست یافت که تا به حال نشر نشده و دربردارنده نکات مهمی در این خصوص است و از دیگر سوی به قلم آیه‌الله حاج شیخ مرتضی حایری (۱۳۴۴-۱۳۶۶ ق) فرزند ارشد مؤسس حوزه علمیه قم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی-قدس سرهما- می‌باشد. این شرح حال را آیه‌الله سیدمحمدحسین حسینی تهرانی عیناً استنساخ کرده است. مایسان آیه‌الله شیخ مرتضی حائری را به انضمام چندسطر اول دست‌نوشته علامه تهرانی نقل می‌کنیم. تهرانی می‌نویسد: «... مطالب ذیل شرح حال مرحوم آیه‌الله شیخ محمدرضا ابوالمجدد اصفهانی-رحمة الله- فرزند مرحوم آیه‌الله شیخ محمدحسین اصفهانی مسجدشاهی صاحب تفسیر [قرآن] چاپ حروفی این تفسیر با نام مجدالبیان در سال ۱۴۰۸ ق و همت «انتشارات بعثت» صورت گرفت) و نواده مرحوم شیخ محمدتقی [رازای نجفی] اصفهانی صاحب حاشیه معالم [یا] هدایة المسترشدين است که حضرت آیه‌الله حاج شیخ مرتضی حائری-دامت برکاته- فرزند مرحوم آیه‌الله حائری-رضوان الله علیه- بر اول کتاب رساله مجدیه (منظور رساله امجدیه است، این رساله ارزشمند تاکنون چهار مرتبه چاپ و نشر گردیده است که آخرین آن در سال ۱۳۵۲ ش با مقدمه و تحقیق آیه‌الله شیخ هادی نجفی و تلاش «انتشارات حروفیه» است) که در نوافل شهر رمضان و آداب و ادعیه غیر معروفه ماه رمضان آن مرحوم نگاشته بودند، مرقوم فرموده‌اند؛ چون خطی بود لذا حقیر از روی خط ایشان در اینجا برای خود نسخه برداشتم».

بیان شیخ مرتضی حائری چنین است: «عالم جلیل، فقیه، اصولی، ادیب، شاعر، دارای علوم هیئت و ریاضی و صاحب

مقامات عالیة تقوا و صفا و وقار و رفاقت و انصاف . بدون هیچ مبالغه ای علاوه بر اینها واجد حلاوتی بود که پدرک و لایوصف . یگانه رفیق والد - قدس سرهما - بود و پس از ایشان چندسال در حیات بود و چند مرتبه به قم مشرف شد و در منزل حقیر مرکز دید و بازدید خود را قرار داد .

چون یکی از عادات آن مرحوم این بود که با کمال رفاقت با مرحوم والد بر ایشان هم وارد نمی شد ، لذا در سال مهاجرت علمای اصفهان قبلاً به ایشان خبر داد . خانه مقابل خانه خودمان را برای ایشان اجاره نمودیم و خیلی از شب ها مرحوم والد و بعضی از متعلقین ایشان با معظم له صرف شام می کردند ، یعنی ایشان خدای خود را حاضر می نمودند و با کمال صفا آنچه غذا هم در منزل ما بود می آوردند . ایشان مطابق رسم نجف هر شب باید پلو بخورند ، ولی مختصر و بدون تشریفات و نوعاً منزل ما آبگوشت و [آن را] در کاسه های مسی می ریختند و می آوردند . ولی از لحاظ کمیت اقتصادی نبود ، مثلاً چند کاسه آبگوشت با چند نان سنگک به بشقاب مختصر پلو و یک بشقاب خورش مرحوم صاحب کتاب اضافه می شد ، ولی تمام مجلس به مزاح و خوشی و صفا می گذشت .

ایشان در همان منزل درس خارج شروع نمودند و عده زیادی از فضلا به دریشان حاضر می شدند که از جمله عالم عصر و استاد حقیر در معقول آقای حاج سیدروح الله خمینی بود و از جمله مردمان عجیب آقای حاج میرزا محمدباقر کمره ای بود که خود نابغه ای در حفظ بود و تمام قرآن را حافظ است و دارای قلم عربی و فارسی و علی الظاهر علاوه بر فقه و اصول آشنایی کامل به بعضی از زبان های خارجی دارد و به تاریخ اسلام مسلط است . صدحیف که به واسطه بعضی از کج فکری ها متروک مانده است . بعد از مرحوم والد - قدس سره - خیلی به حقیر اظهار لطف کردند ، از جمله نامه لطیفی نوشتند و کمترین را دعوت به اصفهان نمودند و از لسان زاینده رود دعوت نامه مرقوم داشتند ، ولی متأسفانه حقیر کمترین بی ادبی نموده و نرفتم . آقای حاج آقا مهدی اخوی - صانه الله عن الافات بحق السید الکائنات - با پسر دانی آقای میرزا محمدتقی ستاری به زیارت معظم له به اصفهان رفتند .

مرحوم والد همواره در نظر داشتند حقیر را برای کسب معارف و علوم خدمت ایشان بفرستند ، ولی موفق نشدند . حضرت معظم له دارای تألیفات هستند از جمله وقایة الأذهان در علم اصول . فرمایشات مرحوم والد را گاهی متعرض شده اند به عنوان «قال صاحبنا العلامة» (برای نمونه رک: وقایة الأذهان ، ص ۱۹۳ ، ۳۲۲ ، ۳۷۰ ، ۴۶۵ ، ۵۱۱ و ۵۷۷ (موسسه آل البیت) .) یعنی ، لایق ما چنین می گوید و این برای این تعبیر نظیری ندیده ام و دیگر نقد فلسفه داروین که مطلوب بود و دیگر رساله ای در

بدیع (منظور کتاب السیف الصنیع علی رقاب منکری علم البدیع است . این کتاب در سال ۱۳۸۴ شمسی با تحقیق دوست فاضل جناب حجة الاسلام مجید هادی زاده و اهتمام «کتابخانه تخصصی ادبیات» به زیور طبع آراسته گردید ، همچنین مقاله ای با عنوان «زانکه شمشیر آشنایی می زند» به قلم نگارنده در معرفی این کتاب نوشته شد که در بهار ۱۳۸۶ شمسی در مجله وزین «آینه پژوهش» به چاپ رسید) که اول آن قصیده معروف ایشان که از عجایب قصائد مشهوره است ، ذکر شده است :

قلبی بشرح الهوی تنصرت شوفا  
الی خصمه المزنر

(رک: دیوان ابی المجد ، ص ۲۶ ، السیف الصنیع ، ص ۱۸۰ و نصوص و مسائل من تراث اصفهان العلمی الخالد ، ج ۱ ، ص ۳۵۱)

و دیگر رساله ای در وقت است (منظور کتاب نجعة المرثاد است . این کتاب در زمستان سال ۱۳۸۳ ش و با تحقیق دوست فاضل جناب آقای رحیم قاسمی در دفتر اول «میراث حوزه اصفهان» به زیور طبع آراسته گردید) و علی الظاهر حواشی بر روایات (این حواشی نیز با نام أغلاط الروایات در سال ۱۳۶۸ ق در تهران و به اهتمام سیدعبدالحجة بلاخی به طبع رسیده است) ، دیگر بنده اطلاع ندارم . ای کسی که بعد از نگارنده این کلمات را می بینی ، قدر آن را بدان چون بدون هیچ مبالغه و عین حقیقت است . والی الله المشتکی و علیه المول فی الشدة و الرخاء و نصرة ولیه المولی هو المرتجی و کان ذلک من دون قصد أو إعمال رویة فی لیلة ۵ رمضان ۱۳۹۳ و هو الموفق لكل خیر . مرتضی الحائری (رک: جنگ شماره شش مکتوبات علامه سیدمحمدحسین حسینی قهرانی ، ص ۴۲ - ۴۴ .) شایان گفتن است این شرح حال را نیز جناب آقای دکتر اسماعیل زاده در اختیار قرار داد که از ایشان تقدیر می شود) .

(ت) شرح حال شیخ علی جوهری : همان گونه که در قسمت آغازین این نوشتار گذشت دو نسخه خطی از این اثر ارجمند موجود است - یا تاکنون شناخته شده - و در شخصیتی که در نوشتن و حفظ آن مؤثر بوده اند یکی امام خمینی است و دیگری علامه شیخ علی جوهری . شخصیت اول از نظر شهرت چون خورشید فروزان است در آسمان علم و ادب و تقوا و بی نیاز از تعریف ، ولی شخصیت دوم مؤثر در این اثر کمتر شناخته شده است ، حتی در بین اندیشمندان و حوزویان و در کتب تراجم نیز کمتر به بیان زندگی نامه وی پرداخته شده است ، از این روی درنگی - هر چند کوتاه - بر دوران حیات وی ضروری می نماید .  
آیه الله شیخ علی جوهری یکی از علمای بزرگ بروجرد بود

می‌نویسد. باتوجه به جایگاه ویژه این کتاب در بین فضیله‌های حوزه خبر به نقد کشیدن آن و جرأت و جسارت طلبه‌ای جوان در اقدام به چنین کاری به سرعت منتشر می‌شود. علامه و ادیب بزرگ شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی نیز این خبر را می‌شنود و با تسلطی که خود بر بسیاری از علوم دارد، در ابتدا چنین کاری را آن هم از سوی طلبه‌ای جوان بسیار بعید می‌شمارد و درصدد برمی‌آید که خود از نزدیک این تعلیقات انتقادی را ببیند. علامه نجفی پس از به دست آوردن و مطالعه این تعلیقات به مقام علمی والای تبریزی واقف می‌گردد و تصمیم می‌گیرد که از نزدیک با وی آشنا گردد و از این پس است که رفاقت و صمیمیت بین این دو ایجاد و تا پایان عمر میرزای تبریزی ادامه می‌یابد.

از برکات رفاقت این دو در نجف اشرف، آفرینش این ارجوزه و شرح آن است که خود داستانی دارد و مؤلف علامه و همچنین محقق محترم کتاب در مقدمه خود به آن پرداخته‌اند و ما در اینجا به صورت مختصر به نقل آن می‌پردازیم. مؤلف در قسمت آغازین مقدمه خویش چنین می‌نویسد: مسائل علوم آن هنگام که به صورت نشر و معمولی نوشته شود در معرض تلف شدن و از بین رفتن است، ولی [باتوجه به جایگاه ویژه شعر] هنگامی که به نظم تبدیل شود در اذهان ماندگار گردیده و از آفت نسیان و فراموشی در امان می‌ماند، همانند دانه‌های مروارید و جواهرات گرانبها که در رشته‌ای منظم گردند.

مؤلف در ادامه می‌فرماید: علم عروض از آن روی که دربردارنده اصطلاحات و ضروب مختلف است، در اولویت منظوم بودن می‌باشد و اگرچه در این مورد اشعار و قصایدی گفته شده ولی هیچ‌کدام نتوانسته حق مطلب را ادا کند. علامه نجفی در ادامه با ذکر نمونه‌هایی این ادعای خود را اثبات نموده و سپس می‌نویسد: روزی من این مشکل را با دوست عزیز خویش یعنی عالم کامل و دریای بی‌کران فضائل و یگانه دوران خویش در معقول و منقول [میرزای مصطفی تبریزی] در میان نهادم و از وی خواستم که ارجوزه‌ای بسراید مشتمل بر مسائل مهم علم عروض و وی نیز خواسته مرا اجابت نمود و چندی بعد گوهری شاهوار مرا تحفه فرستاد که من بر آن نامی جز «در بیتیم و گوهر بی نظیر» ننامم و این در شاهوار آن چنان در نظر اهل ادب دارای ارزش است که صرافان بازار معانی را می‌توان تعیین قیمت آن نیست و کالای آنان را در کنار این در ناب تاب عرض اندام نباشد.

میرزای تبریزی پس از فرستادن این ارجوزه عروضی از علامه نجفی می‌خواهد که آن را شرح و تفسیر نماید و وی در جواب چنین می‌گوید که شما از من شرح این قصیده را خواسته‌ای، اما هر عالمی که عالم تبریز نمی‌شود و هر کسی را یارای تشریح کلام

که در سال ۱۳۲۲ ق در شهر نجف و در خاندان علمی صاحب جواهر الکلام چشم به جهان گشود و دروس ابتدایی را نزد عالمان آن شهر آموخت و برای درس خارج از محضر عالمان بزرگوار چون محقق نائینی، آقا ضیاءالدین عراقی و سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی بهره برد. وی تا سال ۱۳۵۲ ق در نجف اشرف ماند و افزون بر شرکت در درس اساتید نامور نجف خود نیز به تدریس پرداخت. علامه جواهری در سال ۱۳۵۳ به قصد زیارت حضرت رضا به ایران آمد و مورد تکریم علما و دانشمندان قرار گرفت و سپس به درخواست فقیه و مرجع نامور شیعه آیه‌الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی در شهر بروجرده ماندگار گردید و علاوه بر شرکت در دروس آیه‌الله العظمی بروجردی خود در مدرسه نوری بخش بروجرده به تدریس فقه و اصول پرداخت. ایشان پس از مهاجرت آیه‌الله العظمی بروجردی به شهر مقدس قم به اداره مدرسه علمیه نوری بخش و همکاری با آیه‌الله شیخ علی محمد بروجردی اشتغال جست.

از ویژگی‌های این عالم بزرگ، زهد، تقوا، تهجد و مداومت بر ادعیه و نوافل و کثرت مطالعه و نوشتن بود. وی بسیاری از کتب را به خط زیبای خود استنساخ نمود، کتاب‌هایی چون کتاب خلاف شیخ طوسی در سه مجلد و یا رساله فضائل القرآن فاضل تمیمی. برخی از آثار این فقیه فرزانه عبارت‌اند از:

تقریرات درمن فقه آیه‌الله العظمی بروجردی؛

جواهرالعلوم فی فقه المنظوم؛

رشحات الفیوض فی علم العروض؛

الامان فی اعمال شهر رمضان.

سرانجام این عالم ربانی پس از عمری پربرکت در روز یکشنبه ۱۶ ذی‌قعدة ۱۴۱۵ برابر با ۲۷ فروردین ۱۳۷۴ در سن ۹۳ سالگی جهان را بدرود گفت و پس از تشییع جنازه‌ای باشکوه در کنار مرقد مطهر آیه‌الله العظمی شیخ علی محمد بروجردی به خاک سپرده شد (رک: آینه پژوهش، ش ۳۱، ص ۱۱۲ و سخنوران بروجرده، ص ۷۷-۸۰ (با اندکی تصرف)).

ث) بستر آفرینش این اثر: از نکات درخور دقت و بررسی درباره این اثر بستر آفرینش این منظومه و شرح آن است. و قبل از پرداختن به این مطلب لازم است نحوه‌آشنایی ناظم (ارجوزه‌العروض و صاحب‌آداء المفروض بررسی شود.

همان‌گونه که در قسمت‌های قبلی این نوشتار گذشت میرزا مصطفی تبریزی چندی پس از ورود به حوزه کهن نجف در بین شاگردان مرحوم آخوند خراسانی آن چنان خوش می‌درخشید که مورد توجه خاص استاد خود قرار می‌گیرد. در همین دوران است که وی حاشیه‌ای انتقادی بر کتاب لسان الخواص آقارضا قزوینی

میرزای تبریزی نباشد. سپس علامه نجفی چنین می نویسد: من با خود حدیث نفس کردم که شکر منعم واجب است و آزادگان را جبران احسان دیگران امری است لازم.

چ) برخی از نقاط قوت این تحقیق: علم عروض یکی از علوم دشوار و سخت است، از این روی هر کس را توان و قدرت ورود در این صحنه نیست و به همین علت است که ادیب نکته سنج و دقیقی چون علامه نجفی در ابتدای این کتاب از بودن کتابی که بتواند در بیان رموز این علم جامع و کامل باشد سخت شکوه و گسلاهی می کند و ... به همان اندازه است که آفرینش این اثر ارزشمند و بزرگ است، تحقیق آن نیز کاری پر زحمت و نیازمند داشتن توان تحقیقی بالا و محقق ارجمند این اثر به خوبی از عهده این کار برآمده و افتخاری دیگر را در کارنامه علمی خویش ثبت نموده است. برخی از نقاط قوت این تحقیق عبارت است از:

قلم روان و امروزی محقق محترم در مقدمه و تعلیقات؛ دقت های ستودنی محقق در تحقیق این اثر (برای نمونه رک: آداه المفروض، ص ۲۵۶، تعلیقه ۱۰۵ و ص ۲۵۷، تعلیقه ۱۰۶)؛ اعراب گذاری اشعار کتاب؛ التعلیقات علی النص (تعداد تعلیقات محقق بیش از ۶۰۰ مورد می باشد)؛ فهرس المصارع والقوافی.

چ) برخی از بایسته های پژوهشی: یکی از اموری که باعث می شود ارزش کار محقق بیشتر مشخص شود ارائه صفحه آغازین و پایانی نسخه اصل کتاب است که در غالب کتاب های چاپی زمان ما رعایت می شود، ولی در این اثر ارزشمند چنین نشده است، باتوجه به اینکه دو نسخه نیز در اختیار محقق بوده و یکی از این دو نیز در دوران جوانی حضرت امام نگاهشته شده است.

از نکات درخور توجه اینکه محقق محترم کلمه الجوهری را در جمله «لو رها الجوهری حرف ...» به جای آنکه صفت به حساب آورد در شمار اعلام گرفته است و در تعلیقه توضیحی خود آنرا اسماعیل بن حماد جوهری دانسته است و این بیان اگر چه می تواند صحیح باشد، ولی آنچه در نگاه اول از کلام مؤلف فهمیده می شود جز این است و ظاهراً برداشت اول از کلمه «جوهری» همان جوهری است که تعریب شده است، چنان که گفته شده: «قدر زرگر شناسند قدر گوهر گوهری».

مؤلف علامه در قسمت آغازین کتاب خود امور سه گانه ای را نقل می کند که باعث تطویل کتب نگاهشته شده پیرامون علم عروض شده است و پس از آن می نویسد درباره این علم امور پنج گانه ای نیز وجود دارد که آگاهی از آن لازم و ضروری است. شاید بهتر بود محقق محترم برای هر یک از این امور هشت گانه تیترا یا عنوانی را مشخص می نمود تا خواننده کتاب در نگاه آغازین خود به فهرست مطالب و موضوعات بهتر بتواند از محتویات کتاب آگاه گردد.

از دیگر نکات درخور ذکر در معرفی برخی دیگر از آثار علامه نجفی است که در سال قبل و این سال تجدید چاپ شده یا برای اولین بار به زیور طبع آراسته گردیده است، مانند:

- حاشیه بر شرح واحدی بر دیوان منتهی (این حواشی در سال قبل - ۱۳۸۶ شمسی - با تحقیق سرکار خانم لیلا نجمی - از نوادگان مؤلف - در جلد دوم فصوص و رسائل من تراث اصفهان علمی الخالد به زیور طبع آراسته گردید)؛

- تقریرات فقهی ایشان که به قلم آیه الله سیداحمد زنجانی می باشد (این تقریرات که به قلم زیبا و انشای دلپذیر علامه آیه الله سیداحمد حسینی زنجانی نگاهشته شده است، در سال جاری - ۱۳۸۷ شمسی - با تحقیق نگارنده و در دفتر چهارم «میراث حوزه اصفهان» چاپ و منتشر گردید)؛

- طبع مجدد رساله إمارة العین فی استعمال العین فی المعنیین (فصوص و رسائل من تراث اصفهان علمی الخالد، ج ۳، ص ۳۵۱-۳۵۹)؛

- طبع مجدد قصیده تنصیر (همان، ج ۱، ص ۳۴۹-۳۵۳)؛  
- طبع مجدد و تحقیق نقد فلسفه داروین که به زودی نشر و عرضه خواهد شد؛

- رساله النوافح والروفاصح که برای اولین بار و با تحقیق فاضل گرامی آقای جوایا جهانبخش عرضه خواهد شد؛

- گوهر گرانبها در رد عبدالبهاء از دیگر آثار علامه نجفی می باشد که ردی عالمانه بر مسلک جعلی بهائیت بوده و اخیراً نسخه آن پیدا شده است و به زودی تحقیق و به زیور طبع آراسته خواهد گردید.  
سخن پایانی

میزان مودت و علاقه بین ناظم این ارجوزه و شارح آن را می توان به خوبی از برخی تعبیرات علامه نجفی دریافت مانند: «... کسی که از تمام مردمان من تنها او را به عنوان دوست برگزیدم، همان گونه که وی نیز از بین اقران تنها مرا برای دوستی با خویش برگزید ...» (آداه المفروض، ص ۴۲). عبارت علامه نجفی در این مورد چنین است: «... من اکتفیت به عن جمیع الناس کما بی عنهم اکتفی واصطفانی للوداد واصطفیته فهو المصطفی والمصطفی ...»؛

«سراپنده این اشعار - که خدایش وی را در رسیدن به تمامی آرزوهایش مدد رساند و برای من روزی را مقدر نماید که توفیق دیدار وی را در آن نیابم، چنین گوید ...» (همان، ص ۴۶) عبارت عربی کتاب چنین است: «قال الناظم - بلغه الله امانیه ولا أرانی یوماه لا آراه فیه ...».

مهدی باقری سبحانی